

به خانم لویس آربور، نماینده سازمان ملل حقوق بشر

نجیبه صالح زاده

نوزدهم بهمن ماه هشتاد و شش

روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۸ همسر محمود صالحی، فعال کارگری و زندانی سیاسی شناخته شده، را برای با دوم به پزشک قانونی بردند. قرار بود پزشکان پیرامون نظر طبای بیمارستان توحید سنج و نیز متخصصین کلیه و قلب اظهار نظر قانونی کنند. این اطبا در چندین نوبت نظر داده‌اند که تنها کلیه باقیمانده محمود، در حال از کار افتادن است و همین موجب تنگی نفس، ناراحتی قلبی، متغییر بودن فشار خون، سر گیجه، گرفتگی عروق، ضعف شدید، مسدود بودن رگ متصل به قلب، ورم کلیه و باقی عوارض خطرناک شده و او احتیاج به معالجه فوری دارد. به عبارت دیگر از نظر آنان جای محمود نه زندان که بیمارستان است.

همسر به خاطر تلاش برای برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه در زندان است و این امری کاملاً غیر عادلانه است. کمپین بزرگی که خودم یکی از فعالان آنم وسیعاً کار کرده و میکند تا به مقامات بقولاند که برگزاری مراسم مستقل روز کارگر یک حق بسیار ابتدائی است و مقامات حق ندارند محمود را در زندان نگهدارند. اما تمام تلاش و استدلالهای فعالان این کمپین و سازمانهای جهانی کارگری و حقوق بشری در میان مقامات قضائی ایران بی اثر بوده و همسر در زندان مانده است. به همین جهت امید من و سایر فعالان رهائی محمود به این بود که پزشکان قانونی به هنگام معاینه کردن همسر بر اساس سوگندنامه بقراط و به طرزی بیطرفانه عمل کنند، نظرات کارشناسانه طبای قبلی را تایید نمایند و موجبات آزادی همسر را فراهم نمایند. اما این امید واهی بود. پزشکان قانونی حقوق بگیر دولت و خود بخشی از سیستم قضائی - امنیتی ایران هستند. به این دلیل آنها برخلاف نظر طبای قبلی و عوارض مشهود نظر دادند که محمود در موقعیت خطرناکی نیست و میتواند در زندان بماند.

من به پزشکی قانونی رفتم و به حکمشان اعتراض کردم. من به آنها یادآوری نمودم که نه تنها طبای بیمارستان توحید، بلکه پزشکان زندان هم نظر داده‌اند که وضع محمود وخیم است. آنها، که شخصا تمام گزارشات را در دسترس داشتند، اظهار نظر نمودند که رای پزشکان خارج از پزشکی قانونی برای آنها از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. من جویا شدم که چطور میتوانم قانوناً و رسماً به حکمشان اعتراض کنم. مدیر کل پزشکی قانونی، که میدانست اداره‌اش بخشی از سیستم قضائی کشور است و آنجا احکام براساس رابطه تعیین میشود و نه ضابطه، من را به دادگاه حواله داد. او به این ترتیب نشان داد که اداره‌اش هیچ راهکار و سیاستی برای بررسی شکایات ندارد من به نزد معاون دادستان رفتم. او بلافاصله در هیئت یک پزشک ظاهر گردید، نظر پزشکان قانونی را تایید کرد و گفت که پزشکان بیمارستان توحید به نادرست محمود را به بخش سی سی یو یعنی مراقبتهای ویژه برده بودند. او در ضمن گفت که تا کنون سابقه نداشته است کسی از پزشک قانونی شکایت کند. مقصود او این بود که اگر شکایت کردن فایده‌ئی داشت در ۲۸ سال گذشته کسی به خود زحمت میداد تا علیه اشتباهات عدیده اداره‌اش لااقل یک شکایت علیه آنها به جریان اندازد. او

میخواست من را به این ترتیب از رفتن به دادگستری باز دارد، اما با رفتن من به دادگستری تیرا و به سنگ خورد. اینجا برای چندمین بار به من ثابت شد که فریاد رسی نیست و اعتماد به نفس مدیر کل پزشکی قانونی دال بر بیهوده بودن شکایت واقعی بوده است. من از شکایت صرف نظر کردم و از معاون دادستان خواستم لااقل بنا به قوانین خودشان به محمود مرخصی بدهند. او اظهار داشت که همسر من زندانی امنیتی است و حق برخورداری از مرخصی را ندارد. اصطلاح زندانی امنیتی در ایران برای زندانی سیاسی بکار میرود. حال من از طریق این نامه تقاضا دارم که شما بر اساس قوانین جهان شمول حقوق بشر خواستار آزادی فوری همسر من بشوید و یا لااقل به کاربدستان ایران فشار بیاورید تا همسر من را به نزد یک عده پزشک متخصص و مستقل ببرند تا آنها بر اساس تخصص و وجدان پزشکیشان در باره محمود نظر دهند. در دو اداره مورد اشاره پزشک جای زندانبان نشسته و زندانبان جای پزشک. در چنین شرایطی حقوق انسانی من، همسر و فرزندانم متحقق نمیشود مگر از طریق اعتراض. پیشاپیش از همکاری شما متشکرم.

با احترام نجیبه صالح زاده

تاریخ ۲۰۰۸/۲/۷

رونوشت به:
سازمان عفو بین الملل
پزشکان بدون مرز
هیئت حقوق بشر سازمان ملل متحد
کمیته بین المللی سلیب سرخ
کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری
به همه اتحادیه های کارگری و نهادهای دفاع از حقوق بشر

February 7, 2008
Ms. Louise Arbour
United Nations High Commissioner for Human Rights
Palais Wilson
52 rue des Pâquis
CH-1201 Geneva, Switzerland
RE: Mahmoud Salehi
Dear Ms. Louise Arbour;

On January 28, 2008, my spouse, Mahmoud Salehi, a well-known labour activist and political prisoner, was taken to the government's medical examiner for the second time in recent months. It seemed that it had been decided that doctors, including the heart and kidney specialists, at the Tohid hospital in city of Sanandaj, were going to make formal recommendations regarding Mahmoud's health. These physicians have reported a number of times that Mahmoud's only kidney is losing its functions and that has caused asthma, heart problems, fluctuating blood pressure, dizziness, vessel clogging and the clogging of the heart's vessel, extreme weakness or fatigue, kidney inflammation, and many other dangerous side-effects. As a result, he requires immediate treatment. Thus they think he should stay in hospital. My husband has been imprisoned because of his efforts to organize an independent May Day event. This is

totally unjust. A big campaign, which I am a part of as well, have been actively advocating that organizing an independent Labour Day is a basic right and the authorities should not keep Mahmoud in prison. However, all our efforts and that of international labour and human rights organizations have not changed the decision of the judiciary authorities and my partner is still in prison. Therefore, we all were hoping that the official medical examiners would check him up in an objective and professional manner, according to Boghrat Oath (ethical code for physicians), and would confirm other doctors' recommendations and recommend his release from hospital due to his serious health conditions. But that was a false hope. The official medical examiners are employees of the state and a part of the judiciary and security system of the government. Consequently, they denied all other doctors' recommendation and decided that Mahmoud should stay in prison because they think he is not in life threatening situation.

I contacted these medical examiners and protested their decisions. I reminded them that not only the physicians at the Tohid Hospital but also the prison's doctors have reported that Mahmoud's situation is very serious. They, despite having all these reports, responded that the advise of other physicians are not important to them. I asked them how I could formally appeal their decision. The chief medical examiner, who knows well they are protected by the judiciary system, told me that I could go to the court. Thus he indicated that his office does not have any appeal system. I approached the Deputy Prosecutor. He spoke with me as if he was a medical doctor, confirming the medical examiner's decision and adding that doctors in Tohid hospital made a mistake by transferring Mahmoud to the CCU section of the hospital. He also added that no one has ever filed a complaint against the government's medical examiners. He basically suggested that filing a complaint are not going to go, anywhere otherwise others would have done it in the past 28 years. He also unsuccessfully wanted to prevent me from going to the judiciary. At the judiciary, once again, it was proved to me that there is no one there to be concerned and that no wonder the medical examiner was so confident any complaints against them would be futile. Therefore instead of launching a complaint, I asked the Deputy Prosecutor to allow a temporary leave for Mahmoud according to their regulations. He responded that my husband is a security prisoner and is not entitled to any prison leave. The term "security prisoner" is used in Iran for political prisoners.

Now, through this letter, I am asking you, based on the universal human rights, to call for the immediate freedom of my husband, Mahmoud Salehi; or, as a minimum, please pressure Iranian authorities to allow a specialist and ethical and independent examination of Mahmoud's health. At the above mentioned offices, doctors are acting as prison guards and prison guards as doctors. Given such unjust situation, the human rights of my husband, me and my children will not be realised unless there are more protests.

I thank you in advance for your cooperation.

Najibeh Salehzadeh

cc:

The United Nations Human Rights Council

Amnesty International (AI);

International Committee of the Red Cross;

Médecins Sans Frontières (MSF) (Doctors Without Borders)

International Trade Union Confederation (ITUC)

Other relevant labour and human rights organizations